

# جایگاه و تصویر سالمندان در فرهنگ مردم

رضا خاشعی\*

khashei@radioresearch.ir

مقدمه

دو مشکل عمده افت توانایی‌های جسمی و کمرنگ شدن توانایی‌های روانشناختی است که از غلبه یافتن سالمندان بر ننگ پیری، حفظ عزت نفس، تسلط و احساس شایستگی نشئت می‌گیرد. توانمند ساختن سالمند برای تسلط بر خود، محیط پیرامون و امور فردی‌اش سبب می‌گردد تا سالمندی حس شیرینی را بوجود آورد و خلأ ناشی از افسردگی و احساس تنهایی را پر کند.

برخی از سازمان‌های مرتبط با سالمندان معتقدند که این دسته از افراد، حکم سرمایه‌های اجتماعی را برای ما دارند که بایستی با حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی از تجارب و توانایی‌های آنان به نحو احسن استفاده کرد. به هر حال، میانسالی و کهنسالی نیز یکی از دوره‌های زندگی همه ماست که بعضاً با نگرشی منفی همراه است و بسیاری از افراد تمایلی به ورود به این دوران را ندارند

پیری یا سالمندی به عنوان آخرین دوره زندگی انسان همواره مورد توجه متفکران علوم انسانی و زیست‌شناسی بوده و هست. این دوره از زندگی که معمولاً با بالارفتن سن برای افراد مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد مسایلی چون ضعف قوای جسمانی، ازکارافتادگی، معلولیت، تنهایی، بیماری و احتمالاً بی‌سرپرستی، فقر و تنگدستی را به همراه دارد. بروز این گونه مسایل برای سالمندان بسته به این که فرد کهنسال در چه جامعه‌ای و با چه فرهنگی زندگی می‌کند، از نظر کیفی و کمی با تفاوت‌های بسیاری همراه است. (سام آرام، ۱۳۷۰: ۱۱۳)

پیری تجربه‌ای است که ممکن است آن را دوست نداشته باشیم. اما لازم است آن را بپذیریم. پیری ناشی از

\* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

ولی همه ما بایستی بدانیم که سالمندی دوره‌ای است که همه ما لاجرم در آن پا می‌گذاریم و از آن عبور خواهیم کرد.

از زمانی که مسیر پیشرفت جامعه عوض شد و خانواده‌ها از صورت گسترده به صورت بسته درآمدند، نگاه جامعه نیز به بسیاری از موضوع‌ها تغییر یافت و نگاه به سالمند نیز تابع چنین موضوعی شد

اسلامی از احترام به ریش سفیدان، بزرگان و افراد سالمند ریشه می‌گیرد. احترام به بزرگترها و بویژه سالمندان ارزشی

پس بهتر است خود و دیگران را برای آن دوره آماده کنیم.

باید اشاره نمود که در سال‌های اخیر تغییرات حاصله از تحولات اجتماعی و تغییر نهادهای اجتماعی مانند خانواده باعث گردیده تا بسیاری از کارکردهای آشکار و پنهان پدیده‌های اجتماعی دستخوش تغییر و تحول گردند که یکی از آنها دوران سالمندی است. در واقع نوع نگاه به این دوره از زندگی انسانها متأثر از فرهنگ جوامع می‌باشد و به تعبیری دیگر، جایگاه سالمندان در خانواده‌ها، گروه‌های قومی مختلف و در مفهوم کلان، فرهنگ ملی هر جامعه‌ای، بازتابی است از شیوه تفکر آن قوم و فرهنگ که در زبان آنها متجلی می‌شود و در رفتار گروهی آن فرهنگ ظهور و بروز می‌یابد و در صورت استمرار نهادینه می‌شود. برای مثال نوع نگاه به سالمندان در جامعه بزرگ ایران بر مبنای فرهنگ کهن ایرانی و

است که تا این اواخر در رگ و ریشه همه ما وجود داشته است ولی متأسفانه چندی است که به دلیل تغییرات شگرف و برق‌آسای جهانی، در نسل‌های جدید ما رو به افول گذاشته که بایستی توسط متولیان و سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای مجدداً احیا و اشاعه یابد.

از زمانی که مسیر پیشرفت جامعه عوض شد و خانواده‌ها از صورت گسترده به صورت بسته درآمدند، نگاه جامعه نیز به بسیاری از موضوع‌ها تغییر یافت و نگاه به سالمند نیز تابع چنین موضوعی شد. تفاوت اساسی دوران سالمندی با سایر مراحل زندگی مثل کودکی، جوانی و بزرگسالی در این است که پایان هر یک از این مراحل، آغازی است بر مرحله بعدی زندگی، ولی سالمندی آخرین مرحله است و بعد از آن مرگ و نیستی جسمانی پدید می‌آید. مثلاً اگر یک جوان در دوران جوانی نتواند به برخی از هدف‌های زندگی خود برسد،



گذاشته می‌شوند. این نوع رفتار با سالمندان در بسیاری از اقوام ابتدایی توسط مردم‌شناسان گزارش شده است. برای مثال: قبایل هوپی، سرخپوستان کرو، کریک و بوشمن که هنوز در جنگلهای آفریقای جنوبی زندگی می‌کنند، سالمندان را در خارج از دهکده با مقداری آب و غذا رها می‌کرده‌اند. اسکیموها که منابع غذایی کمی در اختیار داشتند، کهنسالان را تشویق می‌کردند تا خودشان از قبیله دور شوند و در روی برفها در انتظار مرگ بنشینند و یا هنگام ماهیگیری آنان را در روی تکه‌های بزرگ یخ رها می‌ساختند و یا آنها را در میان کلبه‌های کوچک حبس می‌کردند تا از سرما جان سپارند.

در قبیله کوری یاک در شمال سیبری به هنگام مسافرتها طولانی، کهنسالان و بیماران علاج ناپذیر را می‌کشتند. این کشتار چنان طبیعی انجام می‌شد که افراد

امید دارد تا در مرحله بعدی زندگی (بزرگسالی) به این هدف‌ها نایل آید و لذا تلاش‌هایش تا ورود به مرحله بعدی تداوم می‌یابد. ولی سالمند در این مرحله متوجه می‌شود که باید بسیاری از هدف‌های طولانی مدت زندگی خود را رها کند و آماده رفتن بشود. لذا بسیاری از تلاش‌هایش را به سوی جهان آخرت تغییر جهت می‌دهد. این وضعیت در بین سالمندان مختلف و همچنین در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. برخی از سالمندان به مرور از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره می‌گیرند و در مقابل در برخی جوامع سالمندان کنار زده می‌شوند به طوری که ممکن است در آنها نوعی احساس بی‌هودگی و افسردگی پدید آید. (همان، ۱۳۷۱: ۱۵۴). بدیهی است متغیرهای دیگری از جمله سلامت جسمی و خصوصیات فردی سالمند، شرایط خانوادگی، وضعیت مالی و پایگاه اجتماعی وی در چگونگی طی شدن این دوره از زندگی بسیار تأثیرگذار است. همانگونه که اشاره شد نحوه برخورد با پدیده سالمندی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است برای مثال در اقوام بدوی و عشایر چادرنشین که همواره در کوچ دائمی به سر می‌برند افراد پیر و فرتوت که قادر به همراهی با طایفه نیستند، بر اساس رسوم پذیرفته شده‌ای از جمع کنار

قبیله اغلب با غرور و شعف از مهارت خود در کشتن کهنسالان سخن می‌گفتند. در بین سرخپوستان آجیب وی شمالی، رفتار با سالمندان از

در دین مبین اسلام جایگاه رفیعی برای سالخوردگان در نظر گرفته شده است و علاوه بر توصیه‌های مکرر خداوند متعال در قرآن مجید، در خصوص احترام و تکریم والدین و سالمندان که از نظر جایگاه انسانی و اعتقادی و درجات معنوی پس از عبادت پروردگار قرار دارد

می‌گذاشتند و سپس به کوچ خود ادامه می‌دادند. حال در بازگشت از ییلاق، چنانچه سالمند مورد نظر هنوز زنده مانده بود او را به قشلاق

کار افتاده به دو صورت انجام می‌شده: گاهی آنها را در کلبه‌های متروک و دور از دهکده و یا در جزیره‌ای رها می‌ساختند و یا طی مراسمی و با خواندن سرود مرگ، سالمند توسط پسرش با ضربه تبرزین کشته می‌شده است. (دوبوار، ۱۳۶۵: ۷۶ و ۷۷)

برمی‌گرداندند و اگر مرده بود بقایای جسد او را دفن می‌کردند. این محلها را در قبیله بویراحمند “غرپ خانه” (qerep xâne) و در قبیله بختیاری “غار دارلو” (qâr dêrlü) می‌نامیدند. (سام‌آرام، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

در بین برخی از عشایر کشور ما نیز در گذشته‌های دور که تحرکات مربوط به کوچ عشایر به صورت پیاده بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده و تحمل آن برای سالمندان میسر نبوده است، معمولاً سالخوردگان را در قشلاق باقی می‌گذاشته‌اند که بسیاری از آنها به علت بی‌غذایی یا گرمای تابستان جان می‌دادند. حتی چنانچه سالمند به همراه قبیله خود کوچ می‌کرد و در راه قادر به حرکت نبود، او را در غارهای بین راه یا در محلی که بدین منظور درست می‌کردند با مقداری آب و غذا باقی

پرواضح است این گونه رفتارهای متنوع با سالمندان که در بین فرهنگ‌های مختلف با مذاهب مختلف مشاهده شده است، همگی با توجه به اعتقادات، رسوم، باورها و وضعیت اقتصادی، اجتماعی آن جوامع صورت می‌گرفته و در واقع به صورت یک هنجار اجتماعی با توجیحات فرهنگی خاص خود توأم بوده و به نوعی کارکرد اجتماعی و اقتصادی خاصی هم در پی داشته است.

ما در یک جامعه اخلاقی زندگی می‌کنیم، با روحيات

و عواطفی که در میان افراد جامعه و روابط آنها با یکدیگر به خوبی قابل مشاهده است. در فرهنگ و دین ما نسبت به احترام به پدر و مادر و بزرگترها توصیه‌های بسیاری شده است. در دین مبین اسلام جایگاه رفیعی برای سالخوردگان در نظر گرفته شده است و علاوه بر توصیه‌های مکرر خداوند متعال در قرآن مجید، در خصوص احترام و تکریم والدین و سالمندان که از نظر جایگاه انسانی و اعتقادی و درجات معنوی پس از عبادت پروردگار قرار دارد، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) و ائمه اطهار همه بر توجه خاص، نیکی به والدین و احترام به سالخوردگان و پیران تأکید فراوان کرده‌اند. برای مثال، رسول خدا (ص) فرموده است: "البرکه مع اکابرکم" (مجلسی، جلد ۷۲، ۱۹۸۳م: ۱۳۷) برکت و خیر ماندگار، همراه بزرگترهای شماست. در جایی دیگر می‌فرمایند: "الشیخ فی اهله کالنبی فی امته" (همان: ۱۳۷) پیرمرد در میان خانواده‌اش، همچون یک پیامبر در میان امتش است. ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: "من عرف فضل کبیر لسنه فوقره امنه الله تعالی من فزع یوم القیامه" (همان: ۱۳۷) هرکس فضیلت و مقام یک بزرگ را به خاطر سن و سالش بشناسد و او را مورد احترام قرار دهد، خدای تبارک و تعالی او را از هراس و

نگرانی روز قیامت ایمن می‌دارد. همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: "بجلوا المشایخ فان من اجلال الله تبجیل المشایخ" (همان: ۱۳۶) به پیران و سالخوردگان خود احترام بگذارید، زیرا این کار یکی از نشانه‌های تعظیم خداوندی است. ایشان در جایی دیگر تأکید می‌کنند: "لیس منا من لم یرحم صغیرنا ولم یوقر کبیرنا" (همان: ۱۳۶) از ما نیست کسی که به کودکان رحم نکند و به سالمندان و بزرگترها احترام نگذارد. و بسیاری دیگر از احادیثی که همگی گواهی بر ضرورت تکریم بزرگان و ریش‌سفیدان است.

ایرانیان عهد باستان نیز نخستین مردمانی بوده‌اند که برای ادای احترام، بزرگداشت و سپاسگزاری از مقام، جایگاه و ارزش سالخوردگان روز مشخصی را در سال تعیین کرده بودند و این روز ۲۵ شهریور ماه هر سال بوده که به آن "اشیش وانگ" (ašiš vâng) می‌گفتند. قدمت این رسم به روایتی به ۳۰۰۰ سال قبل برمی‌گردد.

بدیهی است مردمانی چنین با فرهنگ و هوشیار بایستی تلاش کنند تا آداب، رسوم، باور و ارزش‌های زمان خود را به هر طریق ممکن حفظ و آن را با فرمول خاصی به نسل‌های بعدی منتقل نمایند. حفظ مقام و جایگاه سالخوردگان از جمله ارزشهای درخور توجهی

مخزن عقل و فرزانیگی  
مردم سرچشمه گرفته  
عصاره تجربیات زندگی  
روزمره‌اند. حال وقتی  
عده‌ای در اثر یک تجربه  
مشترک به حقیقتی

پیچیدگی مناسبات کاری و اجتماعی و دغدغه‌های  
روزمره زندگی سبب گردیده تا بسیاری از روابط  
گرم خانوادگی که در گذشته اساس مناسبات  
خانوادگی محسوب می‌شده، رو به سردی گراید

بوده است که تعیین  
روزی از سال برای  
تکریم و بزرگداشت آنان  
کفایت نمی‌کرده، لذا لازم  
بوده تا در قالب‌های  
دیگری به این مهم

می‌رسند آن را با جان و دل حفظ و برای اشاعه و انتقال  
آن به نسل‌های بعدی آن را مختصر و موجز بیان می‌کنند و  
در محاورات خود به کار می‌برند. کوتاه بودن، پرمغز  
بودن، سادگی، داشتن ساختاری متوازن، وجود نظم، وزن  
و قافیه در این جملات از رموز ماندگاری ضرب‌المثلها  
است و در واقع یکی از بزرگترین گنجینه‌های معرفت  
دانش بشری است که حاوی تجارب تلخ و شیرین  
بسیاری است و ما را قادر می‌سازد تا به شیوه تفکر  
پیشینیان پی ببریم. شاید بتوان گفت هنگام استفاده از  
ضرب‌المثلها مخاطب در افکاری عمیق فرو می‌رود و  
تأثیری ماندنی در او ایجاد می‌شود و پیوندی عمیق بین  
شخصیت‌های آن مثل و موقعیت خود احساس می‌کند.

امروزه با پیشرفت روزافزون جوامع، خانواده‌های گسترده  
تبدیل به خانواده‌های کوچک و هسته‌ای شده‌اند که در آن

پرداخته شود تا اندیشه‌ها و رفتارهای جمعی حول آن  
شکل بگیرد و نهادینه شود. حال با توجه به وضعیت  
کتابت آن زمان و کم‌رنگ بودن فرهنگ مکتوب و رسمی  
نسبت به فرهنگ شفاهی، لازم بوده تا عناصر مختلف  
فرهنگ شفاهی بستری برای انعکاس ارزشها، ظهور و  
بروز هنجارها و نهایتاً حمل باورها به نسل‌های بعدی  
باشند.

### جایگاه سالمندان در ضرب‌المثلها

یکی از عناصر و قالب‌های پرطرفیت برای انتقال  
ارزشها و قوانین نانوشته فرهنگی، ضرب‌المثلها است. این  
گفته‌های کوتاه و مردم‌پسند جملاتی است که از میان  
مردم برخاسته است و معنای هشدار و نصیحت را  
می‌دهد. به دیگر سخن، ضرب‌المثلها بخشی از تعقل  
جمعی و خرد جمعی است که منشأ توده‌ای دارند و فرد  
مشخصی واضع آنها نیست. این جملات پندگونه که از





با مسایل زندگی پایین می‌آورد و در نتیجه این اتفاق، همین که پدر بزرگ و یا مادر بزرگ به دلیل حساسیت فوق‌العاده در مقابل حوادث روزمره واکنش تندی از خود نشان

می‌دهند این تصور شکل می‌گیرد که سالمندان افرادی بهانه‌گیر و غرغرو هستند و نتیجه این خواهد شد که پس از مدتی سالمندان به عنصری حاشیه‌نشین در زندگی تبدیل می‌شوند و اندک اندک روبه فراموشی می‌روند، در حالی که آنان از فرزندان خود انتظار قدرشناسی و بر صدر نشستن دارند. غالب مشکلات سالمندی به تعبیری مشکلات عاطفی است. آنها می‌خواهند در زندگی مانند گذشته سهم داشته باشند، در تصمیم‌گیریها شرکت کنند، جوانان را پند دهند، تجارب خود را منتقل کنند، در کنار جوانان باقی بمانند، چون جوان به آنها نوید زنده بودن می‌دهد. سالمندان دوست دارند از گذشته‌ها صحبت

بزرگ شدن فرزندان و کسب استقلال، ارمغانی جز تنهایی برای پدران و مادران به همراه نداشته است. پیچیدگی مناسبات کاری و اجتماعی و دغدغه‌های روزمره زندگی سبب گردیده تا بسیاری از روابط گرم خانوادگی که در گذشته اساس مناسبات خانوادگی محسوب می‌شده، رو به سردی گراید. حال در این میان ضرر بیشتر و عمیق‌تر متوجه سالمندانی است که به سبب ویژگیهای سنی و فراغت بیشتر، انتظار محبت و توجه بیشتری دارند. این انتظارات و توقعات گهگاه تا جایی پیش می‌رود که در برخی موارد باعث بروز رفتارهای کودکانه و بهانه‌گیریهایی بی‌دلیل می‌گردد که همگی ناشی از فقدان محبت و توجه لازم از سوی دیگران می‌باشد. شاید بتوان گفت بیشتر مشکلات روحی و روانی افراد سالمند ناشی از این حقیقت است که شأن و مقام و جایگاه واقعی آنان نسبت به گذشته بسیار ضعیف‌تر تعریف شده است. مواجهه با چنین چالشی آن هم در شرایط جسمانی نامناسب، از سالمندان افرادی حساس‌تر، منزوی‌تر و در یک کلمه آسیب‌پذیرتر ساخته است. در چنین شرایطی سالمندان دارای روحیات خاصی می‌شوند. این روحیات خاص آستانه حساسیت آنان را در برخورد

کنند، چون در گذشته و با خاطرات آن زندگی می‌کنند اما جوان، به علت این که دائماً در هوای آینده زندگی می‌کند از این ارتباط و همراهی با سالمند گریزان است.

احترام و حرمت نهادن به سالمندان در واقع قدرشناسی از زحماتی است که آنها برای ما متحمل شده‌اند و این کمترین کاری است که ما می‌توانیم برای آنان انجام دهیم.

در ادامه مروری خواهیم داشت بر گزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های موجود در فرهنگ عامه کشورمان که با محوریت پاسداشت و بزرگداشت مقام عالی پدر، مادر و اصولاً بزرگان و سالمندان جستجو و طبقه بندی شده‌اند.

در واقع ضرب‌المثل‌های انتخاب شده در زمره مثل‌هایی بوده‌اند که به طور مستقیم به موضوع بزرگان و سالمندان پرداخته‌اند و از مثل‌هایی که به طور غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند اجتناب شده است. امید است این مختصر تلاش اندکی باشد برای استحصال بخشی از فرهنگ شفاهی کشورمان پیرامون تکریم سالمندان و فرهنگی که مشحون از ارزشهای مقدس و درخور اعتناست.

## الف - ضرب‌المثل‌های موجود پیرامون ضرورت تکریم بزرگان و سالمندان

- واجب است مراعات خاندان قدیم.

این ضرب‌المثل در مواقعی به کار می‌رفته که می‌خواستند ضرورت رعایت احترام و عزت را برای اقوام و نزدیکان بزرگسال یادآوری نمایند و به کوچکترها بگویند که ملاحظه پیران، سالمندان و در یک کلمه بزرگترها یکی از واجبات است.

- حق مهتران سخت و واجب‌تر است.

اشاره‌ای است به ضرورت احترام گذاشتن و نگهداشتن حرمت‌های بزرگتر که امری است واجب که حتی در مقایسه با امور واجب دیگر واجب‌تر به نظر می‌رسد.

- شرط باشد آنکه دارد پیر را عزت جوان

در واقع این ضرب‌المثل توصیه‌ای است به رعایت احترام بزرگان و اشاره‌ای است به ضرورت حرمت‌گذاری سالخورده‌گان از سوی جوانان.

- حق شرم دارد زموی سفید

این ضرب‌المثل اشاره‌ای دارد به ضرورت رعایت حرمت برای بزرگتری که دارای موی سفید است. در این ضرب‌المثل حتی موی سفید از برخی حقوق نیز ارزشمندتر و والاتر اعلام شده است که در واقع برای



درک بهتر و عمیق تر حرمت سالمندان بدین گونه گفته شده است.

### - یک بزرگتری گفته‌اند و یک کوچکتری

این ضرب‌المثل در واقع خطاب به کسانی است که به حریم بزرگترها خیال بی‌احترامی دارند و در واقع می‌خواهند بگویند چرا حرمت بزرگتر از خودت را نگاه نمی‌داری؟

### - سر تاجداران نبرد کسی

اشاره است به جایگاه والای بزرگان که همه افراد اعم از دوست و دشمن برای آنان ارزش و احترام قائلند.

### - مکن با سر بزرگان، سر بزرگی

توصیه‌ای است به رعایت تواضع و فروتنی در برابر افراد سرشناس، بزرگ و با تجربه و اشاره‌ای است به فردی که سخن افراد دانا و با تجربه را نمی‌پذیرد و درصدد مقابله با آنان برمی‌آید. در واقع تأکید است بر رعایت احترام در مقابل افراد بزرگتر.

ب- ضرب المثل‌های موجود پیرامون تدبیر و تجربه ارزشمند سالمندان

- آنچه در آئینه جوان ببیند، پیر در خشت خام آن ببیند.  
اشاره‌ای است به مهارت، تجربه، ژرف اندیشی،

بصیرت و عمق تفکر مردمان پیر. در واقع این ضرب‌المثل گویای این است که جوانان شاید در اثر کمی تجربه و دانش حتی امور و مسایل بسیار واضح و روشن را به درستی درک نکنند در صورتی که افراد با تجربه و سالمند مسایل مبهم و غیر آشکار را به درستی می‌فهمند و درک می‌کنند.

### - رای پیر از بخت جوان به

اشاره‌ای است به ضرورت ارزشگذاری به تجربه پیران دنیادیده و تأکید بر این نکته که ارزش تجربه آنها بسیار بالاتر از توانمندی‌ها و شانس و اقبال جوانان می‌باشد. این جمله توصیه‌ای است برای به کار بستن تجارب دنیا دیدگان در امور زندگی که نتیجه‌ای جز توفیق و بهروزی ندارد.

### - سخن بزرگان شنیدن، ادب است.

اشاره‌ای است به ضرورت احترام گذاشتن جوانان به سخنان بزرگان که نشانه ادب شنونده می‌باشد.

### - دود از کنده برخیزد

این ضرب‌المثل کنایه‌ای است از دانایی و آگاهی افراد بزرگتر و اشاره‌ای است به این که در مواقع سخت و بحران، تجارب و تدابیر بزرگان کارآمدتر است و نظریات و راه‌حل‌های آنان راهگشا می‌باشد، درست مانند دودی

که از یک کنده چوب سوخته بیرون می‌آید.

### - آتش از چنار پوسیده برآید

انجام کارهای سخت گاهی در پیران و خبرگان قوی تر است. بیان اهمیت تجربه در گرفتن نتیجه و لزوم اعتناء باطن و توانمندی اشخاص نه ظاهر آنها.

### - جز به تدبیر پیر کار مکن

سفارش اکید به استفاده از تجربه بزرگان و نکوهش از انجام کار بدون مشورت با افراد کارکشته.

### - تدبیر از پیر، جنگ از جوان

بیان این که انسان پیر تجربه بیشتری دارد و عاقل تر و فهمیده تر است و فرد جوان نیروی بیشتری دارد. در واقع هرکس توانائی‌هایی دارد که بایستی از آن به درستی استفاده شود.

### - غیر مرد پیر سرلشگر مباد

اشاره به استفاده از تجربه و مهارت سالخوردهگان و ضرورت سپردن کارهای کلیدی به آنها.

### - زسودای بزرگان هیچ کس نقصان نمی‌بیند

در بیان تأثیرات مثبت تعقل و تفکر عالمان و بزرگان و افراد باتجربه برای بهبود شرایط دیگران. اشاره به فکر و اندیشه‌ای است که بزرگان برای همگان می‌کنند و سوددهی آن فکر برای مردم.

### - شراب کهن قوی تر باشد

اشاره به اینکه کهنگی و یا به عبارتی کهولت افراد دلیل بر کسب تجربه و کارآزمودگی بیشتر آنها و کارایی بیشتر آنها می‌باشد. همچنین اشاره به تأثیرگذاری فرد سالخورده بر دیگران.

### - پیر به ز برای سپهسالاری

اشاره‌ای است به تأثیر مثبت و موفقیت‌آمیز تجربه و بینش، همچنین برتری تجربه بر زور و قدرت بدنی.

### - سخن‌های پیران بود دلپسند

اشاره به اینکه پیران چون از تجربه بیشتر در زندگی برخوردارند و جوانان را با تجربه‌های خود و ماجراهای زندگی خویش راهنمایی می‌کنند و اسباب موفقیت آنان را فراهم می‌کنند از این رو سخنان آنان برای جوانان دلپذیر خواهد بود.

### - لب پیر با پند، نیکوتر است.

اشاره‌ای است به تأثیرگذاری و نفوذ پندها و نصیحت‌های مردمان سالمند. این ضرب‌المثل پند را برازنده مردمان پیر و دنیا دیده می‌داند و تأثیر نیکوی آن را بر جوانان نشان می‌دهد.

### - من که پیرم و می‌لرزم، بر صد جوان می‌ارزم



خطاب پیران توانمند به جوانان ناامید و تنبل که زندگی خود را با هدف شخصی دنبال نمی‌کنند و هیچگونه تلاش و کوششی در این راه مصروف نمی‌دارند. در واقع بیان ارجحیت تجربه و مهارت و دانش کهنسالان بر جوانی و قدرت بدنی جوانان است.

- هر چه به گوش شنیده‌ای، ما به چشم دیده‌ایم

اشاره به باتجربه بودن و داناتر بودن افراد دنیادیده است، همچنین اشاره به داشتن بصیرت و عقل افراد با تجربه است.

- یک بازسپید به زصد باز سیاه

اشاره به ارزش انسان باتجربه و با قابلیت در مقایسه با افراد فاقد این خصایص است.

- تو مو می‌بینی و من پیچش مو، تو ابرو و من

اشارت‌های ابرو

اشاره به اینکه انسان هر چه پخته‌تر و کامل‌تر باشد به سبب تجربه بیشتر دارای آگاهی، اطلاع و دوراندیشی بیشتری بوده و بر امور وقوف بیشتری دارد، لذا تصمیم بهتر و منطقی‌تری می‌گیرد. اشاره به نکته سنجی و تدبیر بیشتر افراد باتجربه.

ج- ضرب‌المثل‌های موجود پیرامون ضرورت قدردانی از زحمات والدین

- جگرها خون شود تا یک پسر مثل پدر گردد

توصیه به قدردانی از زحمات والدین و در نظر گرفتن زحماتی که شخصی برای به ثمر رساندن چیزی یا کسی متحمل شده است.

- جنگ پدر، خوار و زار است و شوم

در نکوهش بی‌احترامی و درشتی کردن بر والدین همچنین وعده تیره‌بختی و سیه‌روزی برای فردی که در پیشگاه والدین گستاخی کند. توصیه‌ای است برای بر حذر داشتن از عقوبت کار و مکافات عمل.

- اولاد پیدا می‌شود، پدر و مادر پیدا نمی‌شود

اشاره به اهمیت و جایگاه پدر و مادر و مذمت

احترام به بزرگان و تکریم آنان اعم از سالمندان و سالخوردگان، پدران و مادران و حتی کسانی که از نظر سنی قدری هم بزرگتر به نظر می‌رسند امری واجب و ضروری است که در بخش قابل‌توجهی از ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده کاملاً مشهود است

د- ضرب‌المثل‌های موجود پیرامون وجود عوارض

جسمانی در دوره پیری و سالمندی

- مصیبت بود پیری و نیستی

اشاره به سختی‌های دوران پیری و نزدیکی آن به مرگ می‌باشد.

- مرد چون پیرشد جُبان گردد

اشاره‌ای است به دوران پیری که معمولاً موجب می‌شود افراد در آن سن ترسوتر باشند.

- زمستان را شبی، پیران را تبی

کنایه از اینکه پیران در زمستان تحمل سوز و سرما را ندارند.

- عشق پیری گر بچنبد سر به رسوایی زند

اشاره به چیزی که از زمان و موقع آن گذشته باشد، اشاره به عدم تطابق و سنخیت کار و زمان است. درواقع نكوهشی است برای دل‌بستگی‌های دنیوی در زمان ضعف

شخصی که به فرزندان خود بیش از پدر و مادرش توجه می‌کند.

- حق مادر نگاهداشتن بهتر از حج رفتن است

اشاره به عظمت و بزرگی احترام به مادر که از حج رفتن هم بالاتر است. حرمت داشتن والدین و رضایت آنها از فرزند حتی برتر از انجام بعضی فرایض است.

- پدرومادر به اولاد بسته‌اند، اولاد به سگ

بیان این که فرزندان چنان که باید قدر پدر و مادر خود را نمی‌دانند. درواقع اشاره‌ای است به بی‌وفایی برخی فرزندان و حق‌ناشناسی آنها نسبت به والدین.

- پدر و مادر میوه نایابند

اشاره‌ای است به قدر و ارزش پدر و مادر و جایگاه والای آنها.

- مادر، فرزند را بس حقهاست

توصیه به تکریم و احترام نسبت به مادر.

و پیری.

جسمی و روحی بسیار ضعیف و ناتوان می‌شود.

#### - چو، چل آمد فرو ریزد پروبال

#### - لنگ بخر، کور بخر، پیر مخر

اشاره به اینکه وقتی انسان به سن چهل سالگی رسید دیگر شور و شوق جوانی درونش فروکش می‌کند. اشاره به این که شادابی روح و جسم تا چهل سالگی پایدار است و پس از آن کم‌کم عوارض سالمندی ظاهر می‌شود.

اشاره به ناتوانی و عدم کارآیی انسان در دوران کهولت و پیری است و تأکید بر استفاده از قابلیت‌های نیروی جوانان، چرا که به رغم عده‌ای پیران توانایی لازم را برای انجام کارها ندارند.

#### - بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را

#### - سر پیری داغ امیری (سر پیری معرکه‌گیری)

کنایه از دلبستگی‌های دنیوی و تعلقات مادی افراد مسن دارد.

اشاره به پیران و سالخوردگانی که تمایل به انجام کارهای جوانان را دارند درحالی که از عهده آنان خارج است.

#### - روز پیری پادشاهی هم ندارد لذتی

#### - نه نیکو بود پیر باده پرست

اشاره به اینکه هر کاری زمان مخصوصی دارد که اگر از آن بگذرد، نتیجه و فایده لازم را نخواهد داشت. اشاره به موقعیت سنجی و لزوم قدرت و مکنت در ایام خوشی و جوانی است.

توصیه به اینکه پیروی از هوی و هوس و خواهش‌های نفسانی در دوران پیری امری ناپسند و نامعقول می‌باشد. درواقع نکوهش نفس پرستی در سنین پیری و سالخوردگی است.

#### - پیری و صد عیب، چنین گفته‌اند

در اشاره به اینکه کهولت سن با ضعف و ناتوانی آدمی خاتمه

همان طوری که مشاهده می‌شود کلیه ضرب‌المثلهای

#### - پیری به هزار علت آراسته است

جمع‌آوری شده حول دو محور اساسی و عمده است:

اشاره به ناتوانی و ضعف انسان در زمان پیری و اشاره‌ای است به این که با بالا رفتن سن، انسان از لحاظ

۱- احترام به بزرگان و تکریم آنان اعم از سالمندان و سالخوردگان، پدران و مادران و حتی کسانی که از نظر

سنی قدری هم بزرگتر به نظر می‌رسند امری واجب و ضروری است که در بخش قابل توجهی از ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده کاملاً مشهود است. شاید بتوان گفت فراوانی این ضرب‌المثل‌ها خود دلیل روشنی بر نهادینه بودن این ارزش والا در زمان‌های قدیم بوده که متأسفانه در حال حاضر رنگ و بوی دلپذیر گذشته را از دست داده است. پیشینیان بهتر از ما می‌دانستند که احترام و حرمت نهادن به سالمندان، قدرشناسی از زحماتی است که آنها در طول زندگی برای ما متحمل شده‌اند. آنها به خوبی می‌دانستند که سالمندان در روزهای پیری نه تنها به انتها نرسیده‌اند بلکه با تجربیات بی‌شمارشان آماده‌اند تا مانع از مرتکب شدن خطاهای بی‌شمار جوانترها شوند. فراوانی ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده در بخش ضرورت بهره‌گیری از تجربیات بزرگان و ریش سفیدان، گواهی بر این مدعا است که فرد سالمند آماده است تا تجارب خود را نثار جوانترها نماید و با این کار هم شادابی و حسن مفید بودن خود را در کنار جوانترها حفظ نماید و هم به آنها ثابت کند که تدبیر و تجربه پیری بر نیروی جوانی غلبه دارد. آنها سعی می‌کردند تا این تجارب گرانبه‌ایم خود را با نشاط و نیروی جوانی بیامیزند تا هم کارها با

سرعت بیشتری ادامه یابد و هم کیفیت کارها بیمه شود. ۲- محور دیگری که ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده حول آن شکل گرفته، وجود عوارض بدنی و تقلیل یافتن نیروی جسمانی سالمندان است که در واقع ناظر بر مشکلات عدیده دوران پیری و سالخوردگی است. در واقع این بخش از ضرب‌المثل‌ها روی دیگر سکه جوانی هستند ولی هرچه باشد این دوران یکی از دوره‌های لذت‌بخش زندگی است که اگر نگاه واقع‌بینانه‌ای به آن بیندازیم، سراسر حکمت خداوندی است.

### توصیه به خانواده‌ها

تغییرات اجتماعی در جامعه ما موازنه جمعیتی را به هم ریخته تا جایی که این به هم‌ریختگی آستانه تحمل و پذیرش خیلی از کارهای روزمره را به پایین‌ترین حد خود در سالهای اخیر رسانده است. شاید بتوان گفت برخورد با سالمندان و بی‌توجهی به نیازهای آنان نیز بخشی از آن بی‌توجهی همه‌گیر است. بهتر است بدانید که در ایران مهمترین حامی و پشتیبان سالمندان، خانواده‌ها به شمار می‌روند؛ افرادی که سالهای خوب زندگی خود را صرف تربیت و پرورش فرزندان کرده‌اند به این امید که در ایام پیری دستگیر آنها باشند. آنها انتظار دارند تا در مقابل



دریایی از فداکاری صورت گرفته، ایامی را در کنار فرزندان سپری کنند و مورد توجه، حمایت، محبت و احترام آنان قرار گیرند. پس بیاییم با سالمندانمان اینگونه برخورد کنیم:

- باید درک کنیم که سالمندان از نظر جسمی و روانی افراد ضعیف‌تری هستند، لذا به کمک و حمایت ما نیاز دارند.

- احترام و محبت به سالمندان از ضروریات زندگی با آنهاست.

- رفتار محبت آمیز با سالمندان به جای رفتار ترحم آمیز. - توجه کافی به خواب، خوراک، پوشاک، تفریح و بهداشت فردی آنها.

- توجه کافی به مراقبت‌های پزشکی.

- خودداری و پرهیز از هرگونه بی‌احترامی، شوخی نامناسب، تعریض و کنایه.

- دخالت دادن سالمندان در امور روزمره زندگی و بهره‌گیری از تجربه آنان در قالب مشورت.

- پرهیز از اعلام ناگهانی اخبار ناخوشایند.

### توصیه به سالمندان

بهتر است به این دوران به عنوان دوران آزادی از قیود و

محدودیت‌های قراردادی در جامعه نگاه کنید. شما عزیزان وقت کافی دارید تا در طبیعت در کمال آرامش و صفا و به دور از فشارهای روحی و عصبی گذران زندگی کنید. غرور را کنار بگذارید و از زیبایی‌های وجودی و درونی خودتان بگویید. به موهای خاکستری و سفید خود بسان نقره‌هایی ارزشمند نگاه کنید که خودتان برای بقای خانواده و خود جمع‌آوری کرده و بر سر گذاشته‌اید. خود را محکوم به انزوا و حسرت نکنید. اینگونه بیندیشید که هنوز سالهای زیادی برای انتقال تجارب دارید. شماها در این سنین به دلیل تجارب گرانبهاتان کمتر اشتباه می‌کنید لذا می‌توانید با ارزیابی دقیق شرایط محیطی، بهترین راه را برای رسیدن و رساندن به هدف انتخاب کنید. با انتخاب اهداف واقعی به زندگی معنا بدهید و خود را از حاشیه نشینی رها کنید. پس بکوشید همان‌طوری که خداوند شما را زیبا و کامل می‌بیند به خود و زندگی نگاه کنید.

### منابع و مآخذ

دوبوار، سیمون، کهنسالی، ترجمه محمد علی طوسی، تهران: انتشارات شبابویز، ۱۳۶۵.

دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، جلدهای ۱، ۲، ۳، تهران:

امیر کبیر، ۱۳۵۷.

سام آرام، عزت الله، "از غرب خانه عشایری تا سرای  
سالمندان خصوص تهران". فصلنامه علوم اجتماعی،  
شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۱.

سام آرام، عزت الله، "مسایل سالمندی در ایران". فصلنامه  
علوم اجتماعی، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰.

کمالی نفر، سحر، "کهنسالی و مثبت اندیشی". روزنامه  
جام جم، شماره ۱۲۰۵، ۱۳۸۳.

مجلسی، علامه شیخ محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۷۲،  
بیروت: موسسه الوهاب، ۱۴۰۳.ق.

یوشی زاده، مریم، "طعم گس زندگی" روزنامه جام جم،  
شماره ۱۲۰۵، ۱۳۱۳.

